

تصاویر قصه گو

نقدی بر کتاب «جم جمک برگ خزون»

علی بوذری



جم جمک برگ خزون
باغچه بان، ثمینه
تصویرگر و طراح گرافیک فرشید شفیعی
تهران: نظر، ۱۳۸۷

متل؛ داستان کوتاهی است که با مضامین لطیف و سرگرم کننده، گاه به صورت شعر و زمانی با نثری موزون برای کودکان و نوجوانان خوانده می شود، شخصیت متل ها بیشتر حیوانات و مظاهر طبیعت، در برخی موارد انسان می باشد. متل ها ضمن سرگرم ساختن کودکان دارای مضامینی زمینی و اجتماعی نیز هستند. کودک با شنیدن متل با طبیعت اطراف خویش انس می گیرد و از همان ابتدا با سرزمین مادری و آیین و عرف محیط خویش آشنا می شود.
متل ها همان لالایی های دوره کودکی هستند که تغییر شکل داده اند و همراه کودکان خردسال بزرگ شده و جای خود را به متلها و ترانه های عامیانه برای پرورش ذهن کودکان داده اند. این اشعار به دور از اشعار رسمی ادبی، در فکر و ذهن مردم شکل گرفته اند و پرورش یافته اند و تا سالها ذهن به ذهن و دهان به دهان زندگی کرده اند و به روز شده اند. ثریا قزل ایاق به پیروی از جعفر پناهی سمنانی، سه ویژگی برای لالایی ها در نظر می گیرد که می توان آنها را به متلها نیز تعمیم داد.

۱- بعد شاعرانه، هم در مضمون، هم در وزن و هم در قافیه؛

۲- بعد موسیقایی؛

۳- بعد تئاتری.^۲

سه ویژگی مذکور را در اکثر متلها مشاهده می کنیم، برای نمونه می توان به متل " تو که ماه بلند آسمونی " از کتاب مورد بررسی اشاره کرد:

منم ستاره میشم دورت می گردم	تو که ماه بلند آسمونی
منم ابر می شم روتو می گیرم	تو که ستاره بشی دورم بگردی
منم بارون می شم نم می بارم	تو که ابر بشی رو مو بگیری
منم سبزه می شم سر در می آرم	تو که بارون بشی نم نم بیاری
منم گلی میشم پهلویت می شینم	تو که سبزه بشی سر در بیاری
منم بلبل میشم چهچه می خونم	تو که گلی بشی پهلویم بشینی
منم مهتاب میشم بهت می تابم	تو که بلبل بشی چه چه بخونی
منم ستاره می شم دورت می گردم	تو که مهتاب بشی بر من بتابی
منم...	تو که ستاره بشی دورم بگردی

روایت فوق از مثل مذکور در پایان دوباره به ابتدای خود بر می گردد و به این شیوه تکرار و گردش را در خود به وجود می آورد، بدین شکل بعد از یک بار خواندن می توان کودک را به تکرار و از برکردن آن تشویق کرد. ماهیت شفاهی مثل ها باعث می شود روایت های گوناگونی از آنها وجود داشته باشد و گاهی جزئیات و یا بخشی از مثل در روایت دیگری کاملاً تغییر کند. این تغییر نه تنها در گویش های متفاوت و در شهرهای مختلف وجود دارد؛ بلکه حتی در یک گویش و منطقه جغرافیایی یکسان نیز اتفاق می افتد. برای نمونه می توان روایت دیگری (تهران) از مثل " تو که ماه بلند آسمونی " را با روایت فوق مقایسه کرد.

منم ستاره می شم دورت می گردم	تو که ماه بلند در آسمونی
منم ابر می شم رو تو می گیرم	تو که ستاره شدی دورم چرخیدی
منم بارون می شم شرشر می بارم	تو که ابر شدی رومو گرفتی
منم سبزه می شم سر درمی آرم	تو که بارون شدی شرشر باریدی
منم بزی می شم سرتو می چینم	تو که سبزه شدی سر در آوردی
منم قصاب می شم سر تو می برم	تو که بزی شدی سرمو چیدی
منم شیشه می شم اونجا می شینم	تو که قصاب شدی سرموبریدی
منم خون می شم می رم تو شیشه	تو که شیشه شدی اونجا نشستی
منم پنبه می شم در توی میبندم	تو که خون شدی رفتی تو شیشه
منم تشک می شم اونجا می افتم	تو که پنبه شدی درمو بستی
منم لحاف می شم رو تو می گیرم	تو که تشک شدی اونجا افتادی
منم عروس می شم اونجا می شینم	تو که لحاف شدی رومو گرفتی
منم دوماذ می شم پهلو ت می شینم	تو که عروس شدی اونجا نشستی

مثل ها بخش مهمی از فرهنگ مردم این سرزمین هستند که به دلیل ماهیت شفاهی خود در معرض نسیان و نابودی قرار دارد. اکنون نقش مثل ها در زندگی کودکان امروزی کمرنگ شده و دیگر نه والدین پر مشغله فرصت و حوصله بازخوانی مثل ها برای کودکان را دارند و نه مثل ها با ذائقه کودکان امروزی که سرگرم بازی های جدید کامپیوتری هستند، چندان سازگار است.

کتاب جم جمک برگ خزون یکی از تلاشهای جدید برای یادآوری این گنجینه ی کهن ادبیات شفاهی برای مخاطبان عام است. مثل های کتاب از خاطرات کودکی ثمینه باغچه بان^۴ سرچشمه می گیرد و او تلاش می کند این بخش از نوستالژی کودکی خود را آنگونه که به یاد می آورد، باز نویسی کند. برخی از این خاطرات آوایی ناکامل و محور را نیز با اسناد منتشر شده^۵ تکمیل می شود.

این بار باغچه بان، نه از کتاب های درسی و نه از شیوه آموزش به ناشنویان، که از ترانه ها و متلهای دوران کودکی خود می گوید؛ از متلهایی که از کودکی برایش بسیار سحرانگیز و رویایی بوده اند، که خیال او را آزادانه و دور از منطق دست و پاگیر، پرواز داده اند. اثر جدید او بازنویسی و معرفی برخی از مثل های عامیانه ای است، آن چنان که از دوران کودکی به یاد مانده اند.

باغچه بان در مقدمه ی کوتاه کتاب، مخاطب را به کودکی خود می برد، فضای زمانی و مکانی روایت این متلها را در ذهن ترسیم می کند؛ چند بچه خسته از بازیگوشی های روزانه، کودکان کم سن تر در خواب و بزرگترها بی قرار از تاخیر پدر و مادر و له له ای که بچه ها را به گنجینه ی مثل

ها و ترانه های خود مهمان می کند. بچه ها خود را به روایت ها و داستان های کوتاه و تاویل بر انگیز ترانه می سپارند و کم و بیش خود را در متلها می بینند و در زندگی روزمره خود آنها را کامل می کنند، دختر انار و به می شوند، در حوض نقره



می جهند، در بارون جرجر به عروسی هاجر می روند، قالی رو تو ایوون می کشند، از خورشید خانم می خواهد آفتاب کند تا پدر و مادرشان قند راجونه شوند و به خانه بیایند. مقدمه کوتاه، نوستالژیک و گویای کتاب، مخاطب عام را به سرعت با مضمون و کارکرد کتاب آشنا می کند.

جدول شماره ۱ مضمون، عناصر، زمان و مکان مثل را به تفکیک نشان می دهد.

تصویرگری و طراحی گرافیک کتاب را فرشید شفیعی^۶ به عهده داشته است. شفیعی هنرمندی پرتوان و خلاق است که در زمینه های مختلف بیان هنری از جمله نقاشی، تصویر گری کتاب، طراحی و گرافیک و انیمیشن طبع آزمایی کرده است. نمونه هایی از تصویرگری پر از طرح و نقش، نقاشانه و روایتگر او را می توان در کتابهایی چون پیر چنگی (۱۳۸۳)، زربال (۱۳۸۴)، پیوند (۱۳۸۵) مشاهده کرد. همچنین او طراحی گرافیک و ایده پردازی سالنامه ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ را به عهده داشته است.

در تصاویر کتاب جم جمک برگ خزون شاهد تلفیق شیوه های تصویرگری و طراحی گرافیک شفیعی هستیم. مانند تصویرگری های مرسوم او، رنگ های درخشان، که مناسب با فضای عامیانه مثل هاست، در کنار هم قرار گرفته اند. انرژی زیاد رنگ ها در کنار هم و فضای سفید که در لابه لای رنگ ها خزیده اند، تلطیف شده و دلنشین به نظر می رسد. تکنیک تصویرگری کتاب، کامپیوتر است. شفیعی لایه های رنگ شفاف را روی هم قرار داده و از با کاستن بخشی هایی از هر لایه رنگی و هم پوشانی آنها، تصویر و رنگ نهایی را خلق کرده است. از آنجا که لایه های رنگ شفاف هستند از روی هم قرار گرفتن آنها رنگ جدیدی به وجود آمده است. شیوه ی که طرح ها و نقش ها از دل سطوح رنگی در آمده اند، جلوه ای مانند چاپ لاینو^۷ به تصویر بخشیده است.

به نظر می رسد تکنیک شفیعی متأثر از آثار ایزابل وندنبله^۸، تصویرگر و چاپگر بلژیکی است.

تصاویر اصلی کتاب از صفحه فهرست شروع می شوند؛ این تصویر که همان تصویر روی جلد، با رنگ بندی متفاوت،

است؛ تصویری از شخصیت های اصلی بازیگر مثل ها، یعنی

عناصر حیوانی (آهو، ماهی و پرنده) مظاهر طبیعی (باران، رود و

گل) و انسانی (دختر)، را نشان می دهد. (ت ۱)

یکی از مشکلات مصور کردن کتاب هایی چون جم

جمک برگ خزون، که مجموعه ای متشکل از متن های کوتاه

پر کنش و کم تصویر هستند، محدودیت روایت متن در تصاویر

ایجاد می کند.

از طرفی تصویرگر فرصتی برای معرفی شخصیت ها، فضا

سازی و... در تصاویر ندارد و از طرف دیگر مثل ها یا بسیار

پر ماجرا و پر تخیلند که اشاره به همه آن وقایع در چند تصویر

محدود، ممکن نیست و یا بسیار کم کنش و انتزاعی که دست

تصویرگر را به هر خیال پردازی می بندند. گونه های متفاوت

روایت گری تصویری که شفیعی در کتاب مذکور از آنها استفاده

کرده را می توان به چهار گروه تقسیم کرد.

الف - پیش نگاری

در این گونه تصاویر، متن و تصویر هماهنگ و همگام با

هم پیش می روند، با این حال تصاویر پیش از آنکه متن بخشی

از داستان را بیان کند، در بخش کوچکی از تصاویر، پیش آگهی

وقوع اتفاق بعدی و بخش بعدی داستان هستند. تصاویر، بخش

بعدی داستان را فاش نمی کنند بلکه تنها کنجکاوی مخاطب

را بر می انگیزد و پیوستگی زنجیروار تصاویر را حفظ می کنند.

پیش نگاری را می توان در تصویر نخست مثل "جم جمک برگ خزون" مشاهده کرد. بدین ترتیب که در صفحه ی

سرخ - آبی با خطوط سفید، اسباب و ادوات حمام طراحی شده که پیش نگاری از ادامه مثل در تصویر صفحه بعد است، جایی

که زینب خاتون به حمام سی روزه می رود.

در تصویر اول مثل "یکی بود یکی نبود" نیز بخشی از متن صفحه ی بعد آمده است. (ت ۲)

ب - تکثر نگاری



در این گونه تصاویر، چند روایت و چند بخش داستان همزمان در یک تصویر گنجانده می شوند. در این نوع روایت گری تصویری که مناسب متون پرکنش و کم تصویر است، گاهی شاهد بزرگ نگاری شخصیت اصلی به نسبت شخصیت های فرعی هستیم و گاهی نیز شخصیت واحدی در چند جای تصویر و در حالات گوناگون ترسیم می شود. معمولاً حرکت روایت داستان در تصویر از گوشه ای شروع می شود و به شکل چرخشی، زیگزاکی و... عناصری که در متن معرفی می شود در تصویر جای می گیرند و روایت را کامل می کنند. این ویژگی ها تصاویر تکثرنگار را به نقاشی قهوه خانه^۳ نزدیک می کند.

در کتاب جم جمک برگ خزون ۵ تصویر با این شیوه خلق شده است. برای مثال تصویر دوم مثل "دویدم دویدم" ساختار منظم گنجاندن روایات در تصویر باعث شده خواندن و درک تصویر راحت تر باشد. تصویر هماهنگ با متن از گوشه ی بالای سمت راست آغاز می شود و عناصری که در متن ذکر می شوند یک به یک در راستای خط منحنی تا گوشه سمت چپ پایین در تصویر قرار می گیرند. روایت در گوشه سمت چپ بالا تصویر پایان می یابد. در عین حال، حالت و اشاره دست های شخصیت های تصویر حرکت از گوشه ها به نقطه پایان را نیز نشان می دهد. (ت ۳)

در تصویر مثل "کوه کو؟"، روند تبدیل عناصر طبیعی به یکدیگر و در نهایت بهره برداری از آن توسط انسان روایت می شود. (ت ۴)

کوه کو؟



آب شد! ← آبش کو؟



جوب شد! ← جوبش کو؟



تو همونه! ← همونه کو؟



بارشتر!

این روایت تبدیل، در تصویر نیز به خوبی دیده می شود؛ رودی از کنار کوه سرچشمه می گیرد و با پیچ و تاب به همون شتر می رسد و به شکلی ساده و گویا روایت متن را بیان می کند. (ت ۴)
جز این تصویر، تصویر مثل های "اتل مثل توت مثل"، "قصه قصه" و "یکی بود یکی نبود" نیز با همین شیوه کار شده است. در تصاویر دو مثل نخست و مثل "کوه کو؟" بزرگ نگاری موضوع اصلی مثل را نیز شاهد هستیم.

ج- بسیط نگاری

در این گونه تصاویر، کلیاتی که در متن اشاره شده با جزئیات و پرداخت بیشتری در تصویر دیده می شود. آگاهی تصویرگر از عناصر، داستان ها، باور ها و... مربوط به متن، کمک می کند تصویری فراتر از متن پدید آید. بهترین مثال این گونه روایت گری در تصویر مثل "بارون می یاد جر جر" قابل مشاهده است. مثل تنها به باران و عروسی هاجر اشاره می کند ولی در تصویر، عروس بر اسب سفید سوار است و داماد کمر باریک، افسار اسب را در دست دارد که مراسم «عروس برون» را نشان می دهد. غلامان، جهاز عروس را که شامل آینه و شمعدان، رحل و قرآن، تنگ و قوری و ظرف و چادری است، در طبق هایی بر سر حمل می کنند و در پی عروس و داماد روانند. (ت ۵)

د- مفهوم نگاری

در این گونه تصاویر، تصویرگر به جزئیات کم و زیاد متن توجهی نمی کند. بلکه مفهوم، هدف و درون مایه متن را به تصویر می کشد. این گونه تصاویر که یکی از مناسب ترین شیوه ها برای مصور کردن کتابها شعر است، حال و هوای کلی متن را به مخاطب منتقل و از شرح و بسط جزئیات خودداری می کند و اجازه می دهد متن در ذهن مخاطب مصور شود و جریان یابد.

این گونه تصاویر، مناسب متونی است که در عین اشاره به جزئیات به کلیت ثابت و مشخص می پردازند. این متون ممکن است پر از جزئیات گوناگون باشد ولی این جزئیات نیز در سایه ی کلیت واحدی ارائه می شوند و تصاویر مفهوم نگار نیز تنها به آن کلیت واحد نظر دارند.

برای مثال می توان به مثل "تو که ماه بلند آسمونی" با موضوع عشق به همونوع اشاره کرد. تصویرگر، پسر جوانی را در مقابل عکس دختر و شاخه ای گل کشیده است؛ نقوش پیچان گیاهی به شکل طاقی چون قابی تصویر را فرا گرفته است.

گر چه به نظر می رسد این متل معروف و محبوب، تصویری جذاب تر و پر گوثر طلب می کرده با این وصف، حال و هوای کلی متل در تصویر به چشم می خورد. (ت ۶)

شفیعی بخشی بزرگی از تصویرگری های خود را برای متون کهن (افسانه ها، اسطوره ها و...) انجام داده است. تصاویر رنگین همراه با جزئیات فراوان که بر گرفته از سنت کهن نگارگری و نقاشی ایرانی بوده است، شیوه روایتگر تصاویر، اکسپرسیون رنگی در کنار طراحی ساده و گویا بسیاری از آثار او را بدون متن نیز معنادار می کند.^{۱۰} تصاویر کتاب چک جمک برگ خزون اولین تجربه او در مصور کردن متل ها، گونه ی دیگری از متون کهن، است که به پشتوانه دیگر آثار او در این حوزه و حوزه طراحی گرافیک به کتابی موفق تبدیل شده است.

توران میرهادی درباره ی این کتاب می گوید:

این کتاب را مادران برای فرزندان خردسال خود می خوانند و با آنها بازی می کنند؛

این کتاب یادگاری برای نوجوانان است تا همراه آن با خواهر و برادر کوچکتر خود بازی کنند و لحظه های کودکی را به یاد آورند؛

این کتاب را جوانان ننگه می دارند تا بعد ها برای فرزندان خود بخوانند؛

یکایک کلمات آن برای همه ما خاطره انگیز است و روزگار کودکی را بیادمان می آورد.

منابع:

- ۱ - ایمن آهی، لیلی. شادمانه، کودکانه. تصویرگر ناصر اوایی، مریلند: بنیاد مطالعات ایران. ۱۳۷۱/۱۹۹۲.
- ۲ - باغچه بان، ثمین. جم جمک برگ خزون. تصویرگر و طراح گرافیک فرشید شفییعی. تهران: نظر. ۱۳۸۷.
- ۳ - پاکباز، روئین. دائرة المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر ۱۳۸۰.
- ۴ - شهرزاد و بچه های قصه گو. تصویرگر فرشید شفییعی. تهران: شباویر ۱۳۸۱.
- ۵ - قزل ایغ، ثریا. ادبیات کودکان و نوجوان و ترویج خواندن. تهران: سمت. ۱۳۸۳.
- ۶ - وکیلان، سید احمد. متل ها و افسانه های ایرانی. تهران: سروش. ۱۳۷۸.

7-www.ketabak.com

پی نوشت:

- ۱ - وکیلان، سید احمد. متل ها و افسانه های ایرانی. تهران: سروش. ۱۳۷۸، ص ۹.
- ۲ - قزل ایغ، ثریا. ادبیات کودکان و نوجوان و ترویج خواندن. تهران: سمت. ۱۳۸۳، صص ۳-۳۰۹.
- ۳ - وکیلان پیشین، ص ۳۰۹.
- ۴ - تهیه باغچه بان (۱۳۰۶) در تبریز به دنیا آمد پس از چندی به شیراز رفت و کودکی را در کودکستانی که پدر تاسیس کرده بود گذراند. در تهران وارد مدرسه شد. در رشته دبیری زبان انگلیسی از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شد (۱۳۲۷) پس از ازدواج با هوشنگ پیر نظر، تحصیل خود را در رشته آموزش ناشنوایان در دانشگاه کلمیا (امریکا) پی گرفت (۱۳۳۲) به ایران بازگشت و در کنار پدرش در مدرسه ی کرولال ها مشغول به کار شد (۱۳۳۵-۱۳۳۵) از سوی آموزش و پرورش مشغول تدوین کتابهای درسی اول دبستان و همکاری در تهیه ی متون درسی کلاسهای دوم تا چهارم دبستان شد. (۱۳۴۰) پس از آن کتاب روش کلی جبار باغچه بان را نوشت. در همین سالها نیز کلاسهای برای آموزگاران سال اول دبستان سراسر کشور و برای کمیته ی ملی پیکار با بی سوادی اجرا کرد. او پس از گذشت پدر، ریاست آموزشگاه و مدیریت فنی جمعیت کرولال ها را به عهده گرفت (۱۳۴۵) او کتابهایی بسیاری درباره ی آموزش و پرورش ناشنوایان و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان نوشته و آثاری را نیز در زمینه آموزش ناشنوایان اختلالات گفتاری، و ناگویایی به فارسی ترجمه کرده است. منبع سایت www.ketabak.com

۵ - ایمن آهی، لیلی. شادمانه، کودکانه. تصویرگر ناصر اوایی، مریلند: بنیاد مطالعات ایران. ۱۳۷۱/۱۹۹۲.

۶ - فرشید شفییعی (۱۳۴۷) در تهران به دنیا آمد. او هنرآموز رشته طراحی و گرافیک و انیمیشن، از دانشگاه هنر است. از سال ۱۳۷۶ کار خود را به عنوان تصویرگر آغاز کرد و حاصل کار او تا کنون تصویرگری حدود چهل کتاب کودک و نوجوان است. او برای آثار تصویرگری، طراحی گرافیک و انیمیشن خود جوایز بسیاری به دست آورده که از ان میان می توان به سیب طلایی برانسیلاوا (۲۰۰۷) لوح افتخار (IBBY) (۲۰۰۶) و لوح کتاب ویژه شورای کتاب کودک (۱۳۸۲، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵) اشاره کرد.

7 - Lino Cut

8 - Isabelle Vandenebeale (1972)

۹- نقاشی قهوه خانه اصطلاحی است برای توصیف نوعی نقاشی روایتی رنگ روغنی با مضمونهای رزمی، مذهبی، و بزمی ه در

دوران جنبش مشروطیت بر اساس سنتهای هنر مردمی و دینی و.. پدید شد. نک دائرة المعارف هنر صص ۵۸۶-۵۸۸.

۱۰- کتاب شهرزاد و بچه های قصه گو (شباویر ۱۳۸۱) یکی از تجربه های موفق او را در زمینه ی کتابهای تصویری بدون متن است. تصاویر این کتاب حاصل تلاش او در کارگاه برانسیلاوا (۲۰۰۱) بود.



شماره	عنوان متن	موضوع	عناصر					مکان	زمان
			انسانی	حیوانی	گیاهی	پدیده طبیعی	دست ساخت		
1	چم چمک برگ خزون	عشق به مادر	مادر، زینب خانوم، هاجر	-	برگ خزون	عشق	دست ساخت کمون، شونه فیروزه، حوض نقره، تسکون	حمام	سی روز
2	ای داد و پیداد	تهیه تنقلات خانگی، تلافی	-	-	تخم (پوست، مغز) انار، به	-	چادر، بند قبا	کار ده، راه نور	-
3	دختر دارم انار و به	عشق به فرزند، آداب و رسوم (خواستگاری)	دختر، مرد پیر، بی سواد شاه، لشکر، خدم و حشم، شاهزاده ها، پسر	-	انار، به	-	چادر، بند قبا	کار ده، راه نور	-
4	دویدم و دویدم	مشاغل، داد و ستد، کارکرد اشیاء	خانوم، نونوا، زرگر، خیاط، اوستا، پاپا	-	گندم، خرما	کوه، آب زمین، آتش	نون، قبا، آرد استن، چیچی، کتاب	کوه، آسیاب)	-
5	بارون می یاد چرخیز	آداب و رسوم (عروسی)	هاجر	خروس	-	بارون	-	باغ هاجر	-
6	خورشید خانوم آفتاب کن	پدیده های طبیعی	بچه های کرد	-	برنج	خورشید خانم، برف، آب، سرما	-	-	-
7	چه دختری چه چیزی	عشق به فرزند	دختر، پاپا	-	نخود	گوشت	دیزی	-	-
8	آئل مثل توت مثل	معرفی میوه ها و خوراکی	خانومی، پاپا، بگم	-	الوجه، گردو، آلو	-	شیرمال، شکر	باغچه، اردو	-
9	کلاغه میگه قارقار	شغل، معرفی حیوانات	پاپا	کلاغ	-	-	سفره قلنکار، پنیر	-	-
10	قصه قصه	تدارک مهمانی	سلمون، عمو، محمود	-	پسته (پسته)	-	نون، پنیر، بربری، قالی، آتش، تر	ایوان	-
11	کوه کوه؟	پدیده های طبیعی، معرفی حیوانات	-	شتر	برگ چنار	کوه، آب، جوب	هنبونه	کوه، باغچه	-
12	یکی بود یکی نبود	معرفی مشاغل، معرفی حیوانات	اقا بگ	موش، بچه موش، خر، اسب، پسته، قیل، بزغالله، شتر، سگ، بز، عنکبوت	-	-	-	گنبد کوه، دروازه	-
13	السون مسون	دعا، انتظار	-	-	-	-	قند راجونه	خونه	-
14	فرمونت برم هر دم	عشق به فرزند	-	-	گل	-	دومن	-	-
15	تو که ماه بلند آسمونی	عشق به همنوع	-	بلبل	سبزه، گل	ماه ستاره، آسمون، ابر، بارون، مهتاب	-	آسمون	-